

مصدق و مجلس هفدهم (رفراندوم)

(۳)

برگرفته از جلد اول مصدق؛ سالهای مبارزه و مقاومت، جلد اول، تألیف سرهنگ غلامرضا نجاتی صفحه های 606 تا 612

www.chebayadkard.com

بخش چهارم — رفراندوم

پیام مصدق به ملت ایران

عصر روز دوشنبه ۵ مرداد ۱۳۳۲، دکتر مصدق پیامی از رادیو خطاب به ملت ایران درباره مراجعه به آراء عمومی در زمینه ابقا یا انحلال مجلس هفدهم فرستاد. در این پیام نخست وزیر مشکلات دوران زمامداری خود را بویژه پس از بازگشت از لاهه برشمرد. وی از بیداری و نیز فداکاری مردم در روز تاریخی سی ام تیر ستایش کرد. آنگاه به دسایس و توطئه های ضدملی، از جمله حادثه نهم اسفند، قتل سرتیپ افشارطوس، رییس شهربانی، ایجاد آشوب و بلوا در مناطق عشایری، حملات و اهانت های مخالفان در مجلس، اشاره کرد و نتیجه گرفت که کلیه این اقدامات با طرح و تحریک اجانب صورت گرفته است. وی افزود:

«... هموطنان عزیز! هر قدمی که تاکنون برداشته شده بعد از مشیت الهی به واسطه اتحاد کلمه و پشتیبانی و حمایت عموم ملت ایران بوده است و هرکس که ادعا کند در این کار سهمی و حقی بیش از دیگران داشته، ادعایش باطل و بی اساس است. ما همه در این مبارزه با هم همکاری کرده ایم و نتایجی که به دست آمده، بر اثر همین همکاری متقابل بوده است. امروز هم اگر بر اثر اغراض خصوصی عده ای منحرف شده باشند، در صورتی که ملت ایران با منحرف شدگان همکاری نکند و آنان را از خود براند، اقدامات اجانب به جایی نخواهد رسید. [...] آیا مخالفین فعلی تصور نمی کنند در صورت ادامه این وضع، ثمره فداکاری ها و جانبازی های چندین ساله ملت ایران که اکنون به آخرین مراحل خود نزدیک می شود، به هدر رود و لعن و نفرین ابدی برای آنان در تاریخ بماند.»

مصدق با روشن بینی خاص خود سرانجام مبارزه ملت ایران را در انتخاب راه و روشی که در پیش خواهد گرفت، به درستی پیش بینی می کند و می گوید:

«در مبارزه‌ای که در پیش گرفته‌ایم، دوراه بیشتر وجود ندارد؛ یا مقاومت و پایداری، که پایان آن سعادت و استقلال واقعی و عظمت ملت ایران است؛ یا انقیاد و تسلیم که نتیجه‌اش ننگ و رسوایی ابدی و محرومیت از مزایای حکومت ملی و تحمل مقاصد و مظالم حکومت‌های فردی و دیکتاتوری است.»

آنگاه با اشاره به دسایس و تحریکات روزافزونی که دولت در مجلس با آن روبروست، گفت:

«... اکنون بیگانگان با تمام قوا می‌کوشند که در صفوف متحد ملت ایران رخنه کنند. متأسفانه در مجلس شورای ملی هم که حقاً می‌بایست بزرگ‌ترین مرکز مبارزه با اینگونه افکار باشد، کانونی برای پیشرفت مقاصد شوم آنها شده است. در این مجلس گروهی از مخالفین و ایادی بیگانه با بعضی از منحرف شدگان می‌کوشند که زمام امور را به دست دولتی بدهند که بتواند مطامع بیگانگان و منافع آنان را تأمین کند و برای انجام این منظور تربیون مجلس را وسیله تبلیغات مضرة خود قرار داده‌اند. با مشکلات فراوانی که در پیش است، دولت نمی‌تواند این کارشکنی‌ها و دسایس را تحمل کند و به این عده مجال دهد که با سرنوشت ملت بازی کرده و مجلس شورای ملی را جولانگاه مقاصد شوم خود قرار داده و عرصه را بر اکثریت نمایندگان دلسوز و علاقه‌مند به مصالح کشور تنگ کنند. شاید در هیچیک از ادوار قانونگذاری سابقه نداشته باشد که عده‌ای از نمایندگان مجلس تا این حد احترام این مرجع بزرگ را که کانون آرزوها و آمال ملت است، از بین ببرند...»

سپس مصدق به تشریح کوشش‌های مخالفین در مجلس شورای ملی پرداخت و خاطر نشان ساخت که مجلس در ماه‌های اخیر، تبدیل به پایگاه اختلال‌گری شده و هدف منافقین در جهت لکه‌دار کردن اصالت نهضت ملی ایران می‌باشد:

«این مخالفت‌ها طی ماه‌های اخیر از صفحات برخی از جراید و اجتماعات تجاوز کرده و به مجلس شورای ملی کشیده شده است؛ به طوری که می‌توان گفت مجلس در ماه‌های اخیر به صورت هسته مرکزی و پایگاه اصلی این اختلال‌گری‌ها درآمده است. هدف مخالفین علاوه بر اختلال در کار دولت، این است که اصالت نهضت ملی ایران را لکه‌دار کنند و به دنیا این‌طور بفهمانند که دیگر کسی طرفدار این نهضت بزرگ تاریخی نیست. ولی مردمی که موجب این رستاخیز عظیم هستند و با خون خود اوراق این نهضت مقدس را نگاهداشته‌اند، طی تظاهرات پرشور و پرهیجان خود نشان داده‌اند که نهضت ملی ایران با حیات و موجودیت آنها بستگی دارد و دست هیچ نامحرمی نمی‌تواند نهضت تاریخی ایران را لکه‌دار کند.»

مصدق در پایان پیام خود اعلام کرد که با ادامه اینگونه اخلاص‌گری‌ها و کارشکنی‌ها نمی‌تواند وظیفه خود را انجام دهد و با مجلسی که به صورت مرکز کارشکنی علیه دولت درآمده، همکاری کند و از مردم درخواست نمود عقیده خود را درباره انحلال یا ابقای مجلس صریحاً ابراز کنند و تکلیف دولت او را روشن سازند: «هموطنان عزیز! امروز یک بار دیگر دولت ناچار شده است این حقایق را بی‌پرده با شما در میان بگذارد و در رفع مشکلات خویش از شما استمداد کند، زیرا این رأی و نظر شماست که باید حق و باطل را از هم جدا سازد و خوب و بد را از یکدیگر تشخیص دهد.

شما همه از جریان کار مجلس شورای ملی با خبرید و هیچیک از جزئیات آن از نظر شما پوشیده و پنهان نیست. دولت ناچار است صریحاً اعلام کند که با وضع کنونی مجلس، امید هیچ‌گونه موفقیتی در مبارزه ملت ایران نیست و ناچار است از شما مردم وطن‌پرست تقاضا کند عقیده خود را در ابقاء یا انحلال آن صریحاً اظهار کنید. در مواردی که بین مجلس و افکار عمومی ملت اختلاف حاصل شود و مجلس به صورت یک دستگاه کارشکنی بر علیه دولت درآید، مجلس منحل می‌شود و قضاوت امر را به عهده مردم محول می‌نماید. چنانچه افکار عمومی با نظر دولت تطبیق کند، نمایندگان دیگری انتخاب و روانه مجلس می‌شوند تا به این ترتیب بین دولت و مجلس همکاری ایجاد شود و چرخ اداره مملکت از کار نیفتند.

بنابراین تنها اراده قاطبه افراد ملت که دولت و مجلس به وجود آنها قائم است می‌تواند قضاوت قطعی در این باب بنماید و آن کسانی که ادعا می‌کنند ملت حق ندارد و نمی‌تواند در این باره اظهار عقیده کند، سخت در اشتباهند، زیرا تنها ملت است که می‌تواند راجع به سرنوشت مملکت اظهار عقیده کند...

این تنها ملت ایران یعنی به وجود آورنده قانون اساسی و مشروطیت و مجلس و دولت است که می‌تواند در این باره اظهار نظر کند، لاغیر. قانون‌ها، مجلس‌ها و دولت‌ها، همه برای خاطر مردم به وجود آمده‌اند، نه مردم به خاطر آنها. وقتی مردم یکی از آنها را نخواستند، می‌توانند نظر خود را درباره آن ابراز کنند. در کشورهای دموکراسی و مشروطه، هیچ قانونی بالاتر از اراده ملت نیست.

به همین جهت دولت در این لحظه حساس تاریخی مشکلی را که با آن مواجه شده، با ملت در میان می‌گذارد و راجع به مجلس از خود مردم سؤال می‌شود که اگر با ادامه وضع کنونی مجلس تا سپری شدن دوره ۱۷ تقنینیه موافقت دارند، دولت دیگری روی کار بیاید که بتواند با این مجلس همکاری کند و اگر با این دولت و نقشه و هدف آن موافقت، رأی به انحلال آن بدهند تا مجلس دیگری تشکیل شود که بتواند در تأمین آمال ملت، با دولت همکاری کند...^(۱)

۱. روزنامه کیهان، دوشنبه ۵ مرداد ۱۳۳۲، پیام دکتر مصدق به ملت ایران.

روز ۱۰ مرداد اعلامیه‌ای از سوی آیت‌الله کاشانی مبنی بر تحریم رفراندوم صادر شد. در این اعلامیه خطاب به مردم گفته شده بود: «... دوران خود را دوره انقراض دیانت و استقلال مملکت و ملت فرار ندهید و طوق رقت و اسارت را به گردن نگذارید. شرکت در رفراندوم خانه برانداز، که با نقشه اجانب طرح ریزی شده مغضوب حضرت ولی عصر عجل‌الله تعالی فرجه و حرام است. البته هیچ وطن‌خواهی شرکت نخواهد کرد، گرچه ممکن است بعضی اشخاص غافل و بی‌اطلاع از حقایق و مضار آن و خائنین وطن فروش برای انجام مقاصد شوم دیگران در رفراندوم شرکت کنند و یا اینکه دولت صندوق را از آراء قلابی پرکند. علی‌ای حال، عمل بر رفراندوم برخلاف قانون اساسی و مصلحت مملکت و ملت بوده و هیچ‌گونه اثر قانونی ندارد...»^(۱)

رفراندوم و مخالفان آن

روز ۱۲ مرداد، اهالی تهران و ۱۹ مرداد مردم شهرستان‌ها، با شور و شعف و در محیطی آرام در همه‌پرسی شرکت کردند و با اکثریت قریب به اتفاق، به انحلال مجلس هفدهم رأی دادند.^(۲) نتیجه رفراندوم از نظر مصدق و طرفدارانش به منزله یک رأی اعتماد عمومی به دولت و متضمن محکومیت گروه‌های مخالف آن بشمار می‌رفت، اما از نظر مخالفان به عنوان یک حرکت برخلاف قانون اساسی بود که انحلال مجلس را از حقوق سلطنت می‌دانستند. رفراندوم، دستاویزی برای متهم ساختن مصدق به دیکتاتوری فراهم ساخت و به محمدرضا شاه جرأت بخشید که با اطمینان از پشتیبانی انگلیس و آمریکا، به نام «حافظ قانون اساسی» قدم پیش بگذارد و زمینه کودتا را با صدور فرمان عزل مصدق فراهم سازد.

گفتنی است که شماری از رهبران جبهه ملی و طرفداران دولت با تصمیم مصدق در انجام همه‌پرسی و تعطیل مجلس مخالف بودند.^(۳) برخی از تحلیل‌گران

۱. اطلاعات، ۱۰ مرداد ۱۳۳۲، دهنوی، صفحات ۴۱۸ - ۴۱۹.

۲. در تهران ۱/۵۵۵/۴۴۰ تن موافق و ۱۱۵ مخالف و در شهرستان‌ها ۱/۸۳۰/۰۰۰ تن موافق و ۱۰۹۲ مخالف به انحلال مجلس رأی دادند. (روزنامه‌ها)

۳. دکتر غلامحسین صدیقی، وزیر کشور دولت مصدق از مخالفان همه‌پرسی بود، به گفته صدیقی، نریمان و شایگان و سنجابی نیز مخالف رفراندوم بودند (مصاحبه با نگارنده، تهران - مهرماه ۱۳۶۸) خلیل ملکی از مخالفان رفراندوم بود. او در ملاقاتی با مصدق پس از آنکه نتوانست او را از این تصمیم منصرف کند،

سیاسی مسائل ایران نیز عقیده داشتند که در دوره فترت، احتمال وقوع کودتا بیش از هر زمان است، اما همه اینها از فعالیت‌های مخفی طراحان و مجریان کودتا آگاه نبودند و نمی‌دانستند که:

- دستور اجرای طرح کودتای انگلیسی و آمریکایی «آجاکس» در جلسه روز ۲۵ ژوئن ۱۹۵۳ (۴ تیرماه ۱۳۳۲) در دفتر جان فوستر دالس، با حضور مقامات سیاسی، اطلاعاتی و هندرسن، سفیر آمریکا در ایران، به تصویب رسیده بود و دستور آغاز عملیات صادر شده بود.

- روز ۲۸ تیر (۱۹ ژوئیه ۱۹۵۳) کرمیت روزولت، فرمانده عملیات کودتا، با نام مستعار «جیمز لاکریج» از مرز عراق وارد ایران شد.

- در سوم مرداد (۲۵ ژوئیه) اشرف، خواهر شاه که در تبعید در پاریس بسر می‌برد، به تهران آمده و پیام «سیا» را به برادرش داده بود.

- روز ۱۰ مرداد (۱ اوت) ژنرال شوارتسکف، با گذرنامه دیپلماتیک و میلیون‌ها دلار اسکناس وارد تهران شده و مخفیانه با روزولت و زاهدی دیدار و درباره کودتا مذاکره کرده بود.

- نیمه شب دهم مرداد (اول اوت) کرمیت روزولت با اتومبیل بدون شماره و علامت دربار، از قرارگاه خود به دیدار شاه رفته و پیرامون طرح اجرای کودتا، با او مشورت کرده بود.^(۱)

طرح مشترک کودتای انگلیسی و آمریکایی که در مرداد ۱۳۳۲ به مورد اجرا درآمد، از اواسط اسفند ۱۳۳۲ مورد توافق لندن - واشینگتن قرار گرفته بود. «سی‌ام. وودهاوس»، رییس بخش خاورمیانه جاسوسی MI-6 که نقش عمده‌ای در کودتا داشته، درباره چگونگی طرح کودتا و توافق با آمریکایی‌ها گفته است:

«... وقتی مصدق یکی دیگر از پیشنهادهای انگلستان و آمریکا را در زمینه مسأله نفت رد کرد، سرانجام کاسه صبر دولت آمریکا لبریز شد. در ۱۸ مارس (۲۷ اسفند ۱۳۳۱) ما در لندن پیامی از «ویزتر» دریافت کردیم که طی آن تأکید شده بود که «سیا» از هر جهت برای مذاکره با ما و بررسی تفصیلی تاکتیک‌های لازم جهت سرنگونی

← خطاب به نخست‌وزیر گفته بود «آقای دکتر؛ این راه به جهنم منتهی می‌شود ولی من تا جهنم همراه شما خواهم بود.» (خاطرات سیاسی خلیل ملکی، دکتر همایون کاتوزیان، صفحه ۱۰۳)

۱. برای آگاهی بیشتر از فعالیت کودتاچیان در مواردی که گفته شد، رجوع کنید به: کرمیت روزولت، ضد کودتا، صفحات ۱۴۶، ۱۵۵، ۱۵۷؛ مصطفی علم، نفت، اصول و قدرت، صفحات ۴۶۷ - ۴۷۰؛ غلامرضا نجاتی، جنبش ملی شدن صنعت نفت و کودتای ۲۸ مرداد، صفحات ۳۶۷ - ۳۷۷.

دکتر مصدق آماده است. این مطلب در اواسط آوریل (هفته آخر فروردین ۱۳۳۲) به وسیله پیام دیگری که از سوی «بیدل اسمیت» از واشینگتن به ما رسید، تأیید شد. [...] هنگامی که در ۲۷ آوریل (هفتم اردیبهشت ۱۳۳۲) تأیید رسمی وزارت خارجه آمریکا مبنی بر قابل قبول بودن زاهدی به عنوان کاندیدای مشترک ما دریافت شد، دیگر هیچ مانعی در راه اجرای طرح مشترک باقی نمی ماند...»^(۱)

هرچند همه پرسى و نتایج آن موجب نگرانی آمریکایی ها گردید،^(۲) ولی در روند اجرای طرح کودتا تأثیر نداشت، زیرا کرمیت روزولت، در نیمه شب ۱۱ مرداد (۲ اوت ۱۹۵۳) یعنی بعد از ورود شوارتسکف و اشرف به تهران و قبل از برگزاری فرماندوم، برای دومین بار مخفیانه با شاه در سعدآباد ملاقات و پیرامون ترکیب کابینه زاهدی و ترتیب مسافرت شاه به کرانه بحر خزر و صدور فرمان عزل مصدق، مذاکره و موافقت او را جلب کرده بود.^(۳)

دکتر مصدق در دادگاه نظامی، در توجیه لزوم انجام فرماندوم و مقایسه رأی گیری آن با انتخابات مجلس گفته است:

«... ناچار بودم وضعیت خود را با مجلس شورای ملی که پایگاه انگلیس بود، روشن کنم. به این جهت با تصویب هیأت وزیران، مراجعه به آراء عمومی کردیم و گفتیم اگر مردم به مجلس اعتماد دارند، به انحلال مجلس رأی ندهند. مجلس بماند و دولت برود. مجلس با هر دولتی که صلاح می داند همکاری کند و چنانچه به دولت اعتماد دارند، به انحلال مجلس رأی بدهند و دولت بماند تا مجلس هجدهم روی کار بیاید.

مراجعه به آرای عمومی شروع شد. در اینجا زائد می دانم عرض کنم که در تمام ادوار تقنینیه با اینکه صندوق انتخابات در بلوکات حرکت می کرد و هر نقطه می رفت و رأی دهندگان به پای صندوق می آمدند و رأی می دادند. [...] در هیچ دوره ای عده رأی دهندگان از یک میلیون و چهارصد هزار رأی تجاوز نکرد و در این مراجعه به آرای عمومی که ساکنین دهات، یا رأی ندادند یا به ندرت رأی دادند و فقط در شهرها مردم رأی دادند، مدت انتخابات هم در هیچ کجا بیشتر از سه ساعت طول نکشید. متجاوز از دو میلیون رأی دهنده به انحلال مجلس رأی داد و دولت را تثبیت نمود...»^(۴)

۱. سی. ام. وودهاوس، عملیات چکمه، صفحات ۵۴ - ۵۵.

۲. گزارش ماتیسون، کاردار سفارت آمریکا، به وزارت خارجه، ۱۲ اوت (۲۱ مرداد ۱۳۳۲)

۳. ضدکودتا، صفحه ۱۵۰. 788/00/8-1253

۴. مصدق در محکمه نظامی، به کوشش جلیل بزرگمهر، جلد اول، صفحه ۲۴.

در ۱۱ مرداد (روز قبل از همه‌پرسی) دکتر عبدالله معظمی رئیس مجلس نیز استعفا کرد. روز ۲۰ مرداد مصدق، طی نامه‌ای به عنوان شاه، ضمن اعلام نتیجه رفراندوم، درخواست کرد فرمان انتخابات دوره هجدهم صادر شود.

متن نامه نخست وزیر بدین شرح بود:

«پیشگاه مبارک اعلیحضرت همایون شاهنشاهی - چون در نتیجه مراجعه به آراء عمومی در تاریخ دوازدهم و نوزدهم مردادماه ۱۳۳۲، ملت ایران به انحلال دوره هفدهم مجلس شورای ملی رأی داده است، از پیشگاه مبارک اعلیحضرت همایون شاهنشاهی استدعا می‌شود امر و مقرر فرمایند فرمان انتخابات دوره هجدهم صادر شود تا دولت مقدمات انتخابات را فراهم نماید.»^(۱)

۱. باختر امروز، ۲۰ مرداد ۱۳۳۲.